



After the Islamic Revolution, Iran's Economic-Social Development and Social Inequality Ratio

Amir Azimi Dolatabadi¹ | Ehsan Asgari²

1. Department of Sociology of Revolution, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran. E-mail: aazimii@yahoo.com
2. Corresponding author, Department of Sociology of Revolution, Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution, Tehran, Iran. E-mail: askariehsan1372@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 07 September 2022 Received: 16 April 2023 Accepted: 06 June 2023 Published online: 22 September 2023</p> <p>Keywords: social-economic development, social justice, social inequality, Iran.</p>	<p>The relationship between justice (= lack of inequality) and development has always posed a challenge. While some economists believe that growing inequality is an inevitable result of certain types of development, others believe that nearly all of the reproductive factors of underdevelopment stem from ignoring the issue of social justice and unjustified inequality. In this regard, the purpose of the present study is to investigate the relationship between two crucial categories of socio-economic development and social inequality in post-revolutionary Iranian society.</p> <p>The article's central issue concerns the relationship between these two categories at the national level between 1989 and 2019. To answer the research question, Kuznets (parametric relationship), Chalabi (negative linear relationship), and Rafipour (positive linear correlation) were used from three theoretical perspectives: Kuznets (parametric relationship), Chalabi (negative linear relationship), and Rafipour (positive linear correlation). The hypotheses derived from the above theoretical perspectives were tested using the quantitative comparative method and a single-country longitudinal research design.</p> <p>Between the two categories of economic-social development and inequality, there is a significant negative linear relationship with a relatively strong intensity (beta: -0.719 / sig: 0.000) and a proportional relationship in the shape of an inverted U; but according to the coefficients, the inverted U-shaped relationship is preferred.</p> <p>The research's theoretical achievements demonstrate a degree of congruence with Kuznets's point of view. This indicates that although Iran's development was initially accompanied by a high level of inequality, the opposite has occurred over time, and the level of inequality has decreased. Therefore, it can be stated that Iran's high development has led to a reduction in social inequality over time.</p>

Cite this article: Azimi Dolatabadi, A., & Asgari, E. (2023). The ratio of economic-social development and social inequality in Iran after the Islamic revolution. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 12(3): 389-407.
<https://doi.org/10.22059/jisr.2023.348393.1337>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.348393.1337>

**نسبت توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در ایران بعد از انقلاب اسلامی**امیر عظیمی دولت‌آبادی^۱ | احسان عسگری^۲^۱. گروه جامعه‌شناسی انقلاب، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: azimii@yahoo.com^۲. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی انقلاب، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: askariehsan1372@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	نسبت عدالت (= عدم نابرابری) و توسعه همواره موضوعی چالش‌برانگیز بوده است. درحالی‌که برخی اقتصاددانان، نابرابری فزاینده را نتیجه ناگزیر توسعه مسلم فرض می‌کنند، تعدادی نیز معتقدند تقریباً تمام عوامل بازتولیدکننده توسعه‌یافتگی ریشه در غفلت از مسئله عدالت اجتماعی و نابرابری‌های بدون توجه دارد. پژوهش حاضر به دنبال بررسی ارتباط دو مقوله مهم توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در جامعه ایران پس‌انقلابی است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۶	پرسش اصلی مقاله ناظر به چگونگی و نوع رابطه این دو مقوله در سطح کشوری در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ است. برای پاسخ به این پرسش از سه دیدگاه کوزنتس (ارتباط سهمی)، چلبی (ارتباط خطی منفی) و رفیع‌پور (ارتباط خطی مثبت) استفاده شد و با بهره‌گیری از روش تطبیقی کمی با طرح تحقیق طولی تک‌کشوری، فرضیه‌های برآمده از دیدگاه‌های نظری فوق آزموده شدند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱/۲۷	یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد میان دو مقوله توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری نوعی ارتباط خطی منفی معنادار با شدت به نسبت قوی ($\beta: -0.719$; $\text{sig: } 0.000$) و ارتباط سهمی به شکل وارون U وجود دارد، اما با توجه به ضرایب تعیین دیده‌شده، ارتباط به شکل وارون U مرجح بوده است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۶	دستاوردهای نظری تحقیق، نوعی مطابقت با دیدگاه کوزنتس را نشان می‌دهد؛ بدین معنا که هرچند توسعه‌یافتگی در ایران ابتدا با نابرابری بالا همراه بوده است، به مرور زمان برعکس چنین وضعیتی رخ داده و میزان نابرابری کاهش یافته است؛ پس می‌توان گفت توسعه‌یافتگی بالا در طولانی‌مدت، سبب پایین آمدن نابرابری اجتماعی در ایران شده است.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۶/۳۱	
واژه‌های کلیدی:	
ایران، توسعه اقتصادی-اجتماعی، عدالت اجتماعی، نابرابری اجتماعی.	

استناد: عظیمی دولت‌آبادی، امیر و عسگری، احسان (۱۴۰۲). نسبت توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در ایران بعد از انقلاب اسلامی. *مطالعات و تحقیقات**اجتماعی در ایران*، ۱۲(۳): ۳۸۹-۴۰۷. <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.348393.1337>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.348393.1337>

۱. مقدمه و طرح مسئله

توسعه و برابری دو مقوله و مفهوم بسیار مهم، پیچیده و در عین حال مرتبط هستند. چگونگی ارتباط این دو، همواره مدنظر محققان و صاحب نظران بوده است. نتایج برخی تحقیقات مانند زریباف (۱۳۸۶) و فراهانی فرد (۱۳۸۴) نشان می‌دهد این رابطه بسیار پیچیده و در بیشتر موارد متناقض است. برخی توسعه را مقدم بر برابری اجتماعی (لوئیس، ۱۹۵۵؛ توراس و بويس، ۱۹۹۸) و برخی نیز برابری اجتماعی را مقدم بر توسعه یافتگی (متفکران رویکرد اسلامی و اندیشمندان ذیل این رویکرد) می‌دانند. برخی معتقدند این دو مکمل هم و برخی نیز معتقدند این دو مفهوم ضد هم هستند. بررسی نسبت متفاوت و گاهی متناقض میان این دو، بسیار تأمل‌پذیر و مهم است و باید به لحاظ نظری و عملی به چنین رابطه‌ای پرداخته شود.

امروزه یافتن روش و بستری مناسب برای نیل به توسعه اقتصادی-اجتماعی توأم با برابری اجتماعی در بحث‌های اخیر توسعه، از مسائل مطرح و در عین حال پیچیده و اساسی است. در سال ۱۹۹۹ میلادی مؤسسه جهانی پژوهش‌های اقتصاد توسعه نتایج تحقیقاتی را منتشر کرد که سؤال اصلی آن این بود که از تجربه توسعه قرن بیستم چه چیزهایی برای قرن بیست و یکم می‌توان آموخت. براساس این پژوهش تقریباً تمام عوامل بازتولیدکننده توسعه نیافتگی ریشه در غفلت از مسئله عدالت اجتماعی و نابرابری‌های بدون توجیه دارد (مؤمنی، ۱۳۹۶: ۲۸۵).

شواهد و داده‌های مختلف حاکی از این بوده است که در کوشش‌های اولیه اعتقاد بر این بود که توسعه بر برابری اجتماعی مقدم است و بدون توسعه نمی‌شود به برابری اجتماعی دست پیدا کرد یا اینکه آیا هرگز برابری اجتماعی می‌تواند برای نیل به توسعه خطرآفرین باشد، اما بعدها این دیدگاه‌ها به چالش کشیده شد و نوعی توافق میان اندیشمندان و نظریه‌پردازان مختلف شکل گرفت که ممکن است میان دو مفهوم مزبور نوعی هماهنگی دیده شود و نمی‌توان گفت برابری اجتماعی برای توسعه یافتگی خطرآفرین است یا برعکس. هرچند با گذشت بیش از یک سده از اهمیت چنین مسئله‌ای هنوز هم بر سر اینکه کدام یک مهم‌تر است، بحث وجود دارد، اما هر دو مفهومی تأمل‌پذیر و مهم محسوب می‌شوند و بررسی رابطه آن‌ها برای نظام‌های سیاسی، به‌ویژه آن‌هایی که داعیه‌های عدالت‌خواهانه دارند امری ضروری محسوب می‌شود.

از همین رو طی یک سده گذشته درباره نسبت توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. برخی تحقیقات نشان داده‌اند برابری اجتماعی عاملی اساسی برای تحقق توسعه اقتصادی-اجتماعی است. درمقابل نتایج برخی تحقیقات حاکی از آن است که در بسیاری از جوامع این امر به شکلی متفاوت و معکوس عمل کرده است و ممکن است در جوامعی که از سطح توسعه یافتگی بالایی برخوردار هستند، نوعی نابرابری مشاهده شود.

این دیدگاه‌های متفاوت که در ادبیات نظری مربوط به این موضوع یافت می‌شوند، مطالعه درباره کشور ایران در دوران پساانقلاب را ضروری می‌کند؛ چراکه یکی از مسائل و مباحث اساسی ایران پساانقلابی، توسعه و چالش‌های فراروی آن بوده است. برای این مطالعه سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ مدنظر است و از سال‌های قبل از ۱۳۶۸ به دلیل مواجهه کشور در جنگ تحمیلی صرف‌نظر شده است.

انقلاب اسلامی ایران و نظام سیاسی برآمده از آن، رفع نابرابری و توسعه همه‌جانبه را آرمان خود قرار داده است و دولت‌های پس از انقلاب هر کدام به نحوی در قالب شعارها و برنامه‌هایی، این آرمان را تعقیب کرده‌اند. اینکه نتایج این تلاش‌ها چگونه و به چه صورت بوده است تحقیقات مبتنی بر داده‌های علمی می‌تواند نشان بدهد. این تحقیق در همین راستا نتایج این کوشش‌ها را درباره توسعه و عدالت در سطح کشوری در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد. به عبارت دیگر دغدغه اصلی این پژوهش ارائه نگاهی جامع به دو مؤلفه توسعه اقتصادی-اجتماعی و برابری اجتماعی در ایران با توجه به تئوری‌هایی است که درباره ارتباط

میان این مؤلفه‌ها به کار رفته‌اند؛ بنابراین شرایط و وضعیت فعلی جامعه و کنش‌های سیاسی گاهی اعتراضی دربارهٔ این دو موضوع مهم و حساس اقتضا می‌کند به مذاقهٔ این مقوله در عصر جمهوری اسلامی پرداخته شود تا روند توسعه و نابرابری در این دوره مشخص و معلوم شود در این دوره، بین مؤلفه‌های گفته‌شده چه ارتباطی وجود داشته است. حاصل سخن اینکه در پژوهش حاضر به این پرسش محوری پاسخ داده‌ایم که نسبت میان توسعهٔ اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران چگونه تجلی یافته است.

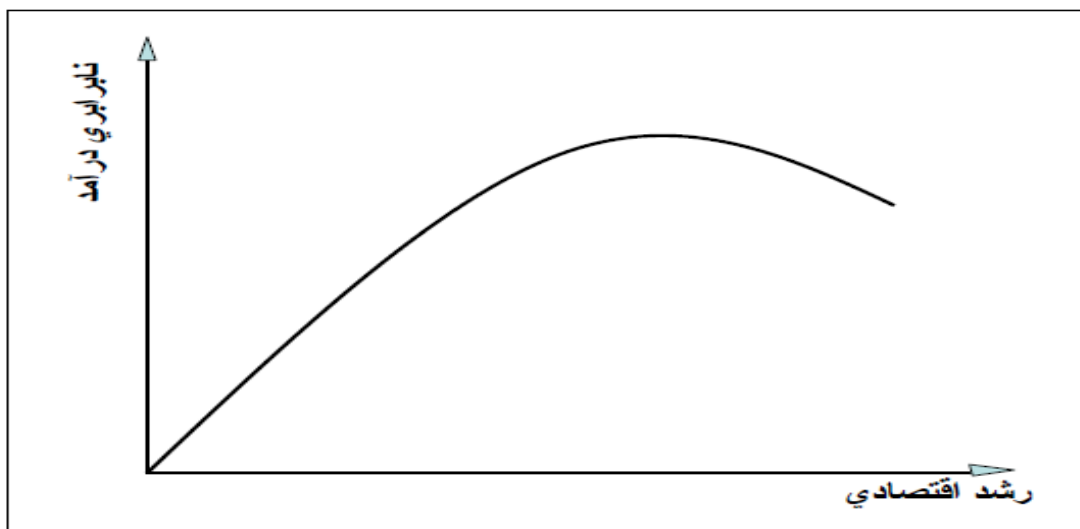
۲. پیشینهٔ نظری و تجربی

منازعه و اختلاف میان طرفداران توسعه و حامیان نظریه‌های کاهش نابرابری طی سدهٔ اخیر و به‌ویژه از دههٔ ۱۹۷۰ م. همیشه از موضوعات مهم و تأمل‌پذیری بوده است که ذهن بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه‌ها را به خود مشغول کرده است. در این بخش و با استناد به آنچه ذکر شد، می‌توان ارتباط و نسبت میان توسعهٔ اقتصادی-اجتماعی با نابرابری اجتماعی را با تکیه بر انواع دیدگاه‌های نظری که در این رابطه مطرح و ارائه شده‌اند به اشکال زیر ملاحظه کرد:

۱-۲. ارتباط سهمی (فرضیهٔ U کوزنتس)

کوزنتس (۱۹۵۵) با بهره‌بردن از آمار و اطلاعات سه کشور انگلیس، آلمان و ایالات متحدهٔ آمریکا به تخمین تجربی تأثیر رشد و توسعهٔ اقتصادی بر توزیع درآمد پرداخته و مشاهده کرده است نابرابری توزیع درآمد طی اولین مراحل توسعهٔ اقتصادی افزایش می‌یابد و سپس هم‌تراز می‌شود و بالاخره طی مراحل نهایی رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. در واقع وی با استناد به داده‌های مشاهده‌شده در این کشورها به این نتیجه دست یافته است که توسعهٔ اقتصادی ممکن است در سطوح اولیه، نابرابری درآمدی را بدتر کند، اما در سطوح بعدی توسعهٔ اقتصادی، توزیع درآمد بهتر می‌شود.

این الگو بعدها به نام منحنی وارون U کوزنتس معروف شد. به عبارت دیگر و با توجه به استنادات تحقیق کوزنتس می‌توان گفت وی به توسعهٔ اقتصادی به عنوان فرایند گذار از اقتصاد سنتی (روستایی) به اقتصاد نوین (شهری) نگاه کرده و نتیجه گرفته است که در مراحل اولیهٔ توسعه، توزیع درآمد رو به وخامت می‌گذارد؛ زیرا بر اثر این تحول و گذار، تعداد کمی از مردم این توانایی را دارند که به بخش نوین یا مدرن منتقل شوند و بدین روی، اختلاف سطح دستمزد بین بخش سنتی و نوین زیاد می‌شود، اما در مراحل بعدی توسعه، توزیع درآمد رو به بهبود می‌گذارد؛ زیرا شمار بیشتری از مردم جذب بخش نوین می‌شوند و به تدریج به دلیل کمیابی نیروی کار در بخش سنتی، سطح دستمزد در بخش سنتی هم افزایش می‌یابد و به سطح دستمزد بخش نوین نزدیک می‌شود (مهرگان و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۹-۶۰)؛ بنابراین با تکیه بر چنین استدلال و تحقیقی از سوی کوزنتس، فرضیهٔ معروف وی مطرح و ارائه شده است. چنان‌که از حیث ارائه و تدوین یک مدل برای درک و فهم راحت‌تر چنین دیدگاهی می‌توان به شکل ۱ رجوع کرد که بیانگر رابطه‌ای به شکل وارون U میان مؤلفه‌های مذکور است.

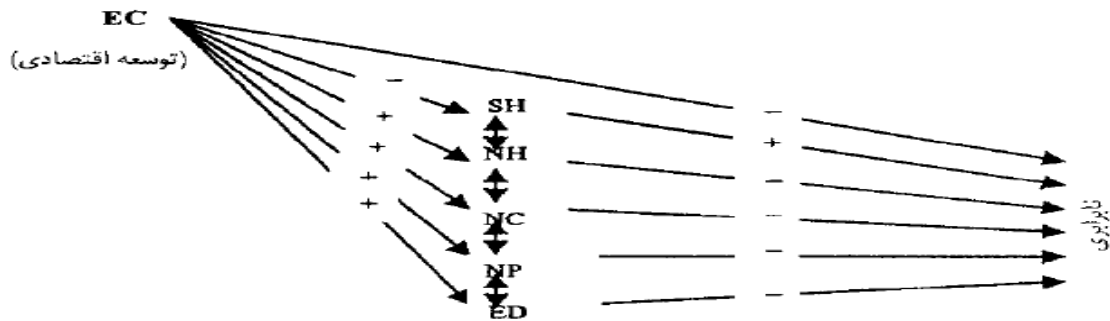


شکل ۱. منحنی وارون U فرضیه کوزنتس

۲-۲. ارتباط خطی منفی (چلبی)

چلبی در کتاب خویش با عنوان *جامعه‌شناسی نظم* (۱۳۹۵) در ارائه و مذاقه ارتباط میان دو مقوله توسعه اقتصادی و نابرابری سعی کرده است به رابطه توسعه اقتصادی با هریک از ابعاد نابرابری موضعی یعنی تراکم ثروت مادی، تراکم قدرت، تراکم منزلت و تراکم سرمایه فرهنگی بپردازد. براساس دیدگاه نظری وی می‌توان گفت با توسعه اقتصادی (EC) و افزایش تولید ورای نیاز عموم، مازاد اقتصادی حاصل در وهله اول جذب مواضع راهبردی در جامعه می‌شود. به دنبال توده اقتصادی، به‌ویژه بعد از انقلاب صنعتی و بسط تقسیم کار اجتماعی و تخصصی‌شدن، تعداد مواضع (NP) و تعداد سازمان‌ها و کنشگران جمعی (NC) نیز افزایش می‌یابد. به‌علاوه با ورود به مرحله صنعتی‌شدن و ظهور رژیم‌های صنعتی، دو تحول چشمگیر شکل می‌گیرد: گسترش فزاینده آموزش رسمی (ED) برای پاسخ‌گویی به مقتضیات فنی و سازمانی جامعه و همچنین ظهور تقسیم کار کارگاهی در سطح خرد. در واقع تقسیم کار کارگاهی دستاورد نظام سرمایه‌داری است. با گسترش تقسیم کار جامعه‌ای، تعداد سازمان‌ها و کنشگران جمعی (NP) افزایش می‌یابند. با افزایش تعداد سازمان‌ها، هزینه نگهداری آن‌ها افزایش می‌یابد و این خود ایجاب می‌کند که از تراکم ثروت (CM) کاسته و توزیع آن در جامعه پراکنده شود؛ بنابراین در این نظریه به این نکته توجه شده است که قدرت سلسله‌مراتب (SH) با تعداد سلسله‌مراتب (NH) نسبت معکوس دارد؛ یعنی هر چقدر تعداد سلسله‌مراتب‌ها بیشتر باشد، از قدرت آن‌ها کاسته می‌شود و بالعکس که اثرات این دو روی نابرابری نیز معکوس است (چلبی، ۱۳۹۵: ۱۸۱-۱۸۲).

درنهایت و به عنوان شمایی کامل از دیدگاه نظری چلبی در رابطه بین سطح توسعه اقتصادی با میزان نابرابری و متغیرهای عمل‌کننده بینابینی (سازوکارهای عمل‌کننده) می‌توان به شکل / مدل ۲ توجه کرد.



شکل ۲. مدل تحقیق چلبی

۳-۲. **ارتباط خطی مثبت (رفیع پور):** رفیع پور (۱۳۹۴) با استناد به اطلاعات تئوریک برخی صاحب‌نظران این حوزه بیان می‌کند رشد اقتصادی سریع و مدرنیزه کردن جامعه موجب تشدید نابرابری می‌شود. استدلال وی براساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران آن است که در پی مدرنیزه کردن جامعه، سطح تحصیلات مردم افزایش می‌یابد و به دنبال آن قشر متوسط به وجود می‌آید. در نتیجه این دو عامل، سطح توقع مردم از نظام سیاسی بالا می‌رود و انتظار آن‌ها از بسط دموکراسی افزایش می‌یابد که این فرایند (بالارفتن سطح توقع از حکومت و انتظار دموکراسی) با گسترش صنعت و پیدایش قشر کارگر به وجود خواهد آمد. رفیع پور در نهایت و با استناد به نتایج تحقیقات تطبیقی بین کشوری برخی دانش‌پژوهان نتیجه می‌گیرد رشد اقتصادی سبب پیدایش نابرابری، نابرابری موجب کاهش دموکراسی و کاهش دموکراسی سبب رکود اقتصادی می‌شود. درحقیقت در فرایند توسعه یک ناپایداری، نابرابری و نبود دموکراسی به وجود می‌آید که با افزایش سطح تحصیلات، توسعه صنعتی و در نتیجه پیدایش قشر متوسط، سطح توقعات این اقشار و کارگران بالا می‌رود و از نظام حکومتی انتظار دموکراسی و توزیع عادلانه‌تر درآمد را خواهند داشت. هرچند چنین نتایجی حاصل شده است، آخرین تحقیقات بین کشوری این نکته را اثبات می‌کند که در مدت طولانی بین توسعه و دموکراسی رابطه معکوس و بین توسعه و نابرابری ارتباط مستقیمی وجود دارد. ضمن آنکه هیچ‌یک از کشورهایی که در مسیر توسعه بیرونی گام نهادند، به دموکراسی دست نیافتند، بلکه شاهد افزایش بی ثباتی و نابرابری درآمدی بودند. نتیجه اینکه در بلندمدت میان دو مقوله توسعه و نابرابری نوعی ارتباط مستقیم و مثبت و همچنین میان دو مقوله توسعه و دموکراسی ارتباطی معکوس دیده شده است (رفیع پور، ۱۳۹۴: ۵۴۷).

برای آزمون این دیدگاه‌های نظری تحقیقاتی صورت گرفته است که هر کدام به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند؛ برای مثال براساس نتایج مطالعه رام (۱۹۹۷) برخلاف فرضیه کوزنتس، نابرابری با افزایش درآمد حتی در سطوح بالای توسعه کاهش نمی‌یابد، بلکه الگوی U مانند را نشان می‌دهد. دهقانی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق خویش به این نتایج دست یافتند که رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در اقتصاد ایران در سال‌های مزبور غیرخطی و مطابق با فرضیه کوزنتس بوده است. باقری (۱۳۹۴) در تحقیق خود نتیجه گرفته است افزایش نرخ رشد اقتصادی سبب کاهش نابرابری در توزیع درآمد شده است؛ به این معنا که نتایج تحقیق وی بیشتر با دیدگاه نظری چلبی (ارتباط خطی منفی) سازگار است و برعکس آن، تمیزی‌فر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که میان دو مؤلفه مزبور نوعی ارتباط مستقیم وجود داشته است؛ بدین معنا که نتایج این تحقیق، بیشتر با دیدگاه نظری رفیع پور (ارتباط خطی مثبت) سازگار بوده است. درواقع همه این تحقیقات براساس دیدگاه‌های اقتصادی و با تکیه بر مؤلفه‌ها و روش‌های مرتبط با رشته اقتصاد به بررسی این رابطه پرداخته‌اند و اساساً تابه‌حال تحقیقی جامعه‌شناختی با این هدف انجام نشده است. همچنین شاخص‌هایی که در این تحقیق و برای سنجش دو مؤلفه توسعه و نابرابری به کار رفته‌اند، نسبتاً جامع هستند که امید

می‌رود برخی ضعف‌های تحقیقات پیشین برطرف شود. از سوی دیگر نیز می‌توان اذعان کرد ادبیات نظری بیان‌شده در این تحقیق، کامل‌تر از ادبیات نظری تحقیقات قبلی است که در آن‌ها اشکال مختلف ارتباط میان مؤلفه‌های مزبور بررسی شده‌اند. بر همین اساس، سه فرضیه مطرح شده است: ۱. بین توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در ایران پس‌انقلابی ارتباط سهمی به شکل وارون U وجود دارد؛ ۲. بین توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در ایران پس‌انقلابی ارتباط خطی منفی وجود دارد و ۳. بین توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در ایران پس‌انقلابی ارتباط خطی مثبت وجود دارد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از حیث نوع مطالعه، تحقیقی تبیینی است که در مقام آزمون مدعا یا مقابله فرضیه‌های نظری با واقعیت‌هایی که بر آن‌ها دلالت دارند، از روش تطبیقی کمی با طرح تحقیق طولی تک‌کشوری استفاده کرده است. در پژوهش حاضر، واحد تحلیل و مشاهده کشور/سال و سطح تحلیل کشور (ایران) برای دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ است. انتخاب این دوره زمانی بدین علت صورت گرفته است که با توجه به گذشت بیش از چهار دهه از عمر جمهوری اسلامی ایران، دو مقوله توسعه و عدالت همواره و طی سال‌های مذکور از اهداف دولت‌های مختلف بوده است. هرچند اولویت و اهمیت هریک از این دو مقوله، در دولت‌های پس از انقلاب و جنگ تحمیلی متفاوت بوده است. به اقتضای فرضیه‌های تبیینی ارائه‌شده که خصلت عام دارند، جمعیت یا جامعه آماری این تحقیق نیز باید شامل همه سال‌های پس از انقلاب اسلامی باشد که البته از سال‌های قبل از ۱۳۶۸ به دلیل مواجهه کشور با جنگ تحمیلی صرف‌نظر شده است. به عبارت دیگر چون واحد تحلیل گزاره‌های تئوریک این تحقیق معطوف به سال/کشور است، جمعیت تحقیق را سال‌های مورد مطالعه تشکیل داده که بازه زمانی بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ را در بر گرفته است.

طولانی‌بودن دوره زمانی مدنظر از این حیث مهم بوده است که برای بررسی ارتباط میان دو مقوله توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی بتوان به درکی جامع و درازمدت از این مسئله نائل آمد. به عبارت دیگر، طولانی‌بودن دوره زمانی مدنظر برای آشکارشدن تأثیر متغیرها و همچنین آزمون برخی فرضیه‌ها که خصلت طولی دارند، امری ضروری بود تا براین‌اساس بتوان در سطح سری زمانی یا طولی فرضیه‌های موردنظر در این پژوهش را سنجش کرد و آزمود. چنانچه در این پژوهش متغیرهای امید به زندگی، آموزش (نسبت باسوادان)، تولید ناخالص داخلی، شهری‌شدن و صنعتی‌شدن (مصرف برق صنعتی) مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی و همچنین مقوله‌های ضریب جینی، توزیع درآمدی (دهک‌ها و بیستک‌ها) و همچنین ضرایب چونی تیل، تکنیسون و پالما مهم‌ترین شاخص‌های نابرابری اجتماعی مدنظر قرار گرفتند.^۱

در تعاریف مفاهیم باید تصریح شود که مفهوم توسعه اقتصادی-اجتماعی^۲ را می‌توان از حیث نظری به معنای به‌کارگیری علوم و فنون جدید برای ایجاد تحولات نهادی به‌منظور افزایش توانایی مداوم تولید و به‌تبع آن مصرف کالاهای صنعتی دانست. اگرچه در مطالعات بین‌کشوری و درون‌کشوری مفهوم توسعه اقتصادی-اجتماعی از روش‌های گوناگونی عملیاتی سنجش شده است، اما سرانته تولید ناخالص داخلی هنوز هم متداول‌ترین معرف تجربی برای آن محسوب می‌شود. از سوی دیگر، اگر صنعتی‌شدن را واجد قرب مفهومی بیشتر برای مفهوم توسعه اقتصادی-اجتماعی در نظر بگیریم، متغیر «صنعتی‌شدن» را باید معرف یا نشانگر مناسب‌تری در

۱. با تکیه بر تحقیق طالبان (۱۳۸۹) و همچنین مشورت با استادان و خبرگان حوزه‌های مربوط در نهایت بنا شد این متغیرها مدنظر قرار بگیرند.
 ۲. پیشینه کاربرد اصطلاح توسعه اجتماعی به‌صورت صرف به جامعه‌شناسان اواخر قرن نوزدهم برمی‌گردد که از منظر آن‌ها به فرایندی گفته می‌شد که طی آن، جامعه از حالت سنتی یا اولیه به سطح مدرن، پیشرفته و متمدن‌تر تکامل پیدا می‌کرد (مبارغنج و همکاران، ۱۴۰۱).

مقایسه با سرانه تولید ناخالص داخلی محسوب کنیم. همچنین چون در فرایند توسعه و صنعتی شدن به دلیل مهاجرت روستاییان به شهرها، جمعیت شهرها بسیار افزایش می‌یابد، بسیاری از پژوهشگران حوزه تطبیقی، متغیر شهرنشینی را معرف مناسبی برای مفهوم توسعه اقتصادی-اجتماعی محسوب کرده‌اند (طالبان، ۱۳۸۹: ۱۵۵). اگر در این پژوهش متغیرهای امید به زندگی، آموزش (نسبت باسوادان)، تولید ناخالص داخلی، شهری شدن و صنعتی شدن (مصرف برق صنعتی) به منزله مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی بحث و واکاوی شدند.

در تصریح مفاهیم عدالت و نابرابری اجتماعی؛ از آنجا که در علوم اجتماعی از جمله جامعه‌شناسی و اقتصاد تلاش می‌شود از مفاهیم ارزشی پرهیز شود، عملاً از مفهومی با عنوان عدالت یا عدالت اجتماعی کمتر استفاده می‌شود و به جای چنین مفاهیمی واژگانی مثل برابری/ نابرابری اجتماعی و توزیع درآمدی کاربرد دارند؛ زیرا نابرابری از مفاهیم پیچیده‌ای است که با ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درهم تنیده شده است؛ بنابراین اگر بخواهیم به صورت خلاصه شده تعاریف نظری و عملیاتی نابرابری اجتماعی را مدنظر قرار دهیم، می‌توان به آنچه در ذیل آمده است، رجوع کرد.

(الف) تعریف نظری: نابرابری اجتماعی به معنای کلی به تفاوت‌های میان افراد یا جایگاه‌هایی که به صورت اجتماعی تعریف شده و افراد آن را اشغال کرده‌اند، اشاره می‌کند. از آنجا که جایگاه افراد بر نحوه زندگی آن‌ها و خاصه بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند، تأثیر می‌گذارد، می‌توان گفت نابرابری اجتماعی دلالت‌های حقوقی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز دارد (زاهدی مازندرانی، ۱۳۹۳: ۴۰). به عبارت دیگر، نابرابری اجتماعی وضعیتی است که در چارچوب آن انسان‌ها به منابع باارزش، خدمات و موقعیت‌های جامعه دسترسی نابرابر دارند. این نابرابری هنگامی روی می‌دهد که افراد و گروه‌ها یکدیگر را درجه‌بندی و سپس ارزیابی کنند، اما از همه مهم‌تر این است که نابرابری‌های اجتماعی ناشی از موقعیت‌های متفاوت در ساختار اجتماعی است (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۱).

درنهایت از حیث تعریف نظری و همچنین بیانی دقیق‌تر، نابرابری اجتماعی به وضعیتی اشاره می‌کند که انسان‌ها با قرارگرفتن در جایگاه‌های متفاوت در ساختار یک جامعه، دسترسی نابرابری به آن دسته از امتیازات و منابع باارزش پیدا می‌کنند که بر نحوه زندگی، حقوق، فرصت‌ها و پاداش‌هایشان تأثیر می‌گذارد (گرب، ۱۳۷۳).

(ب) تعریف عملیاتی: درباره مفهوم عدالت و برابری اجتماعی نیز اندیشمندان متعددی، شاخص‌های متفاوتی چون ضریب جینی، مقایسه گروه‌های درآمدی، کاهش فقر و شکاف طبقاتی و رفاه همگانی را مدنظر داشته‌اند. در این پژوهش دو معرف ضریب جینی و مقایسه گروه‌های درآمدی (دهک‌ها و بیستک‌ها) و همچنین ضرابی چون پالما، اتکینسون و تیل با توجه به اینکه از حیث سنجش پذیرودنشان، احتمال دسترسی به داده‌های آن‌ها بالاتر است و همچنین جزء متداول‌ترین شاخص‌ها برای سنجش عدالت و برابری اجتماعی محسوب می‌شوند، مدنظر قرار گرفته‌اند و به ترکیب آن‌ها درباره متغیر نابرابری اجتماعی پرداخته شده است.

یکی از تکنیک‌های آماری که به کمک آن می‌توان شاخص‌ها و متغیرهای اصلی یک تحقیق را آماده کرد تا براساس آن بتوان اعتبار آن‌ها را سنجش و آزمون تجربی کرد، تحلیل عاملی است. در پژوهش حاضر نیز از این تکنیک بهره برده شده است. بدین ترتیب و براساس چنین تکنیکی می‌توان گفت سازه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی ساخته و آماده سنجش قرار خواهند گرفت. سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی (متغیر مستقل) از پنج شاخص امید به زندگی، سواد، تولید ناخالص داخلی، شهری شدن و مصرف برق صنعتی و سازه نابرابری اجتماعی (متغیر وابسته) نیز از شش شاخص ضریب جینی، دهک، بیستک، تیل، پالما و اتکینسون ساخته شده است. در این میان، به کمک تکنیک تحلیل عاملی سازه‌های اصلی تحقیق (توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی) تهیه و ساخته شدند. همچنین برای ارزیابی اعتبار سازه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی نیز همین تکنیک آماری

روشی مطمئن به پژوهشگر می‌دهد تا بتواند فرضیه خویش را درباره ساختار داده‌ها بیازماید. در مجموع، ساختار داده‌های گردآوری شده برای سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی براساس پنج شاخص مزبور و برای نابرابری اجتماعی نیز براساس شش شاخص ذکر شده تعیین و آماده شد. قبل از ارائه نتایج اصلی تحلیل عاملی لازم است یافته‌های مربوط به آزمون فرضیات ضروری تحلیل عاملی بیان شود:

شاخص تکافوی نمونه^۱ برای شاخص‌های مربوط به سازه نابرابری اجتماعی برابر با ۰/۷۰۱ و مقدار حاصل از آزمون کرویت بارتلت با درجه آزادی ۱۵ معادل ۵۴۸/۹۵۹ به دست آمد که کاملاً معنادار بود (۰/۰۰۰). بر پایه این دو ملاک اصلی می‌توان نتیجه گرفت اجرای تحلیل عاملی براساس ماتریس داده‌های موجود برای سازه نابرابری اجتماعی، توجیه‌پذیر خواهد بود. برآورد مقادیر ویژه متغیرها و مشخصات عامل‌های استخراج شده در جدول‌های زیر منعکس شده است:

جدول ۱. آزمون‌های تکافوی نمونه و بارتلت (معرف‌های نابرابری اجتماعی)

آزمون‌های تکافوی نمونه و بارتلت		
۰/۷۰۱	شاخص تکافوی نمونه	
۵۴۸/۹۵۹	مقدار	کرویت بارتلت
۱۵	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	ضریب معناداری	

جدول ۲. مشخصات عامل‌های استخراج شده از تحلیل متغیر نابرابری اجتماعی

کل واریانس توضیح داده شده						
استخراج مجموع مجذورات بارهای عاملی			مقادیر ویژه اولیه			
درصد تجمعی	درصد واریانس	کل	درصد تجمعی	درصد واریانس	کل	
۹۶/۳۶۹	۹۶/۳۶۹	۵/۷۸۲	۹۶/۳۶۹	۹۶/۳۶۹	۵/۷۸۲	۱
-	-	-	۹۹/۲۶۱	۲/۸۹۲	۰/۱۷۴	۲
-	-	-	۹۹/۷۰۰	۰/۴۳۹	۰/۰۲۶	۳
-	-	-	۹۹/۸۸۷	۰/۱۸۷	۰/۰۱۱	۴
-	-	-	۹۹/۹۸۴	۰/۰۹۷	۰/۰۰۶	۵
-	-	-	۱۰۰/۰۰۰	۰/۰۱۶	۰/۰۰۱	۶

همان‌گونه که مشاهده می‌شود نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی مربوط به سازه نابرابری اجتماعی در جدول ۲ حاکی از بزرگی مقدار ویژه تنها یک عامل است که نشان می‌دهد میزان تبیین واریانس مشترک بین متغیرها برای این عامل برابر با ۹۶/۳۶۹ درصد است که بسیار زیاد است. همچنین شاخص تکافوی نمونه برای شاخص‌های مربوط به سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی برابر با ۰/۸۳۵ و مقدار حاصل از آزمون کرویت بارتلت با درجه آزادی ۱۰ معادل ۲۸۳/۹۶۷ به دست آمد که کاملاً معنادار بود (۰/۰۰۰). بر پایه این دو ملاک اصلی می‌توان نتیجه گرفت اجرای تحلیل عاملی براساس ماتریس داده‌های موجود برای سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی توجیه‌پذیر خواهد بود. برآورد مقادیر ویژه متغیرها و مشخصات عامل‌های استخراج شده در جدول‌های ۳ و ۴ منعکس شده است.

جدول ۳. آزمون‌های تکافوی نمونه و بار تلت (معرف‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی)

آزمون‌های تکافوی نمونه و بار تلت		
۰/۸۳۵	شاخص تکافوی نمونه	
۲۸۳/۹۶۷	مقدار	کرویت بار تلت
۱۰	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	ضریب معناداری	

جدول ۴. مشخصات عامل‌های استخراج‌شده از تحلیل متغیر توسعه اقتصادی-اجتماعی

کل واریانس توضیح‌داده‌شده						
استخراج مجموع مجزورات بارهای عاملی			مقادیر ویژه اولیه			عامل
درصد تجمعی	درصد واریانس	کل	درصد تجمعی	درصد واریانس	کل	
۸۵/۱۲۰	۸۵/۱۲۰	۴/۲۵۶	۸۵/۱۲۰	۸۵/۱۲۰	۴/۲۵۶	۱
		??	۹۸/۱۰۰	۱۲/۹۷۹	۰/۶۴۹	۲
			۹۹/۴۰۸	۱/۳۰۹	۰/۰۶۵	۳
			۹۹/۸۲۷	۰/۴۱۹	۰/۰۲۱	۴
			۱۰۰/۰۰۰	۰/۱۷۳	۰/۰۰۹	۵

همان‌گونه که مشاهده می‌شود نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی مربوط به سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی در جدول ۴ حاکی از بزرگی مقدار ویژه تنها یک عامل است که نشان می‌دهد میزان تبیین واریانس مشترک بین متغیرها برای این عامل برابر با ۸۵/۱۲۰ درصد است که بسیار فراوان است.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. یافته‌های توصیفی

در این بخش ابتدا به توصیف داده‌های مربوط به سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی و معرف‌های تجربی آن پرداخته شده است. نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۵ منعکس شده است.

جدول ۵. یافته‌های توصیفی مربوط به توسعه اقتصادی-اجتماعی (N=31)

سازه	معرف‌های تجربی				امید به زندگی	سال
	توسعه اقتصادی-اجتماعی	مصرف برق صنعتی	نسبت شهرنشینی	تولید ناخالص داخلی		
۳/۲۳۶۳	۶۱۴۶	۵۴/۲۹	۲۴/۰۰	۶۹/۸۰	۶۳/۳۸	۱۳۶۸
۳/۲۱۷۱	۶۸۶۸	۵۵/۶۵	۴۰/۰۰	۷۱/۹۳	۶۳/۹۴	۱۳۶۹
۳/۳۹۱۱	۷۳۳۶	۵۷/۰۱	۴۱/۱۰	۷۴/۰۷	۶۴/۵۰	۱۳۷۰
۳/۶۱۰۷	۷۲۵۲	۵۷/۸۶	۳۳/۳۰	۷۵/۱۵	۶۵/۰۶	۱۳۷۱
۳/۵۵۸۶	۳۰۶۱۸	۵۸/۷۲	۵۱/۹۰	۷۶/۲۴	۶۵/۶۲	۱۳۷۲
۳/۹۷۳۵	۴۵۹۶۸	۵۹/۵۸	۳۲/۷۰	۷۷/۳۳	۶۶/۱۸	۱۳۷۳

سال	معرف‌های تجربی				
	امید به زندگی	نسبت باسوادان	تولید ناخالص داخلی	نسبت شهرنشینی	مصرف برق صنعتی
۱۳۷۴	۶۶/۷۴	۷۸/۴۲	۴۱/۶۰	۶۰/۴۴	۵۱،۷۷۹
۱۳۷۵	۶۷/۳۲	۷۹/۵۱	۳۵/۸۰	۶۱/۳۰	۵۵،۰۳۶
۱۳۷۶	۶۷/۶۲	۸۰/۰۱	۱۶/۵۰	۶۲/۰۱	۶۸،۷۰۸
۱۳۷۷	۶۷/۹۲	۸۰/۵۲	۱۱/۸۰	۶۲/۷۳	۷۴،۶۲۷
۱۳۷۸	۶۸/۲۲	۸۱/۰۳	۳۳/۹۰	۶۳/۴۴	۸۰،۵۲۶
۱۳۷۹	۶۸/۵۳	۸۱/۵۴	۳۲/۰۰	۶۴/۱۶	۸۵،۶۸۴
۱۳۸۰	۶۸/۸۵	۸۲/۰۵	۱۷/۲۰	۶۴/۸۷	۹۱،۴۶۸
۱۳۸۱	۶۸/۸۸	۸۲/۵۶	۳۸/۷۰	۶۵/۵۹	۹۹،۱۳۶
۱۳۸۲	۶۸/۹۱	۸۳/۰۷	۲۲/۷۰	۶۶/۳۰	۱۱۰،۲۸۰
۱۳۸۳	۹۴/۶۸	۵۸/۸۳	۲۶/۱۰	۶۷/۰۲	۱۲۲،۹۰۸
۱۳۸۴	۶۸/۹۷	۸۴/۰۹	۲۶/۳۰	۶۷/۷۳	۱۳۳،۲۲۹
۱۳۸۵	۶۹/۰۰	۸۴/۶۰	۲۰/۷۰	۶۸/۴۵	۱۴۱،۶۳۳
۱۳۸۶	۶۹/۷۵	۸۴/۶۴	۳۱/۲۰	۶۹/۳۰	۱۶۶،۹۷۶
۱۳۸۷	۷۰/۵۰	۸۴/۶۸	۱۹/۳۰	۷۰/۱۶	۱۶۵،۴۷۵
۱۳۸۸	۷۱/۲۵	۸۴/۷۲	۴/۶۰	۷۱/۰۴	۱۶۱،۳۸۰
۱۳۸۹	۷۲/۰۰	۸۴/۷۶	۲۲/۵۰	۷۱/۷۷	۱۵۸،۵۵۰
۱۳۹۰	۷۲/۷۵	۸۴/۸۰	۲۷/۵۰	۷۱/۳۸	۱۷۴،۳۷۹
۱۳۹۱	۷۳/۰۰	۸۵/۳۶	۱۴/۴۰	۷۱/۸۱	۱۸۴،۸۶۱
۱۳۹۲	۷۳/۲۵	۸۵/۹۲	۳۵/۱۰	۷۲/۱۴	۱۹۳،۶۲۸
۱۳۹۳	۷۳/۵۰	۸۶/۴۸	۱۴/۴۰	۷۲/۴۵	۲۰۶،۰۸۸
۱۳۹۴	۷۳/۷۵	۸۷/۰۴	-۱/۲۰	۷۲/۷۷	۲۱۶،۵۱۵
۱۳۹۵	۷۴/۰۰	۸۷/۶۰	۱۴/۳۰	۷۴/۰۰	۲۲۵،۲۹۶
۱۳۹۶	۷۵/۰۰	۸۸/۰۰	۱۶/۴۰	۷۴/۳۵	۲۳۶،۳۷۲
۱۳۹۷	۷۵/۵۰	۸۸/۵۰	۲۵/۷۰	۷۴/۷۱	۲۴۵،۹۳۹
۱۳۹۸	۷۶/۰۰	۸۹/۰۰	۲۸/۱۰	۷۵/۰۷	۲۴۴،۸۰۷
میانگین	۶۹/۶۳۹۷	۸۲/۱۶۱۳	۲۵/۷۶۱۳	۶۶/۳۹۰۳	۱۲۲۸۸۶/۰۶
انحراف معیار	۳/۵۱۹۴۵	۴/۹۱۰۴۸	۱۱/۶۵۱۱۱	۶/۱۸۷۴۱	۷۷۰۵۴/۳۹۹
واریانس	۱۲/۳۸۷	۲۴/۱۱۳	۱۳۵/۷۴۸	۳۸/۲۸۴	۵۹۳۷۳۸۰۲۵۴
ضریب استاندارد رگرسیون	۰/۹۸۸	۰/۹۵۴	-۰/۵۴۵	۰/۹۹۱	۰/۹۹۶

اطلاعات مندرج در جدول ۵ بیانگر این نکته است که امید به زندگی ایرانیان از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ همواره سیری صعودی و خطی داشته است؛ بدین معنا که میزان این شاخص از ۶۳/۳۸ سال (۱۳۶۸) به ۷۶ سال (۱۳۹۸) رسیده است که این ارقام نشان می‌دهد طی ۳۱ سال مطالعه‌شده، بیش از ۱۲ سال به میزان امید به زندگی افزوده شده است. درباره معرف نسبت باسوادان نیز می‌توان گفت مانند معرف امید به زندگی همواره سیری صعودی و خطی داشته است؛ زیرا میزان آن از ۶۹/۸۰ (۱۳۶۸) به ۸۹ درصد (۱۳۹۸) رسیده است که این ارقام نشان‌دهنده افزایش این شاخص به میزان تقریباً ۲۰ درصد طی سال‌های مزبور بوده است. درباره معرف تولید

ناخالص داخلی وضعیت متفاوت بوده است؛ بدین معنا که شاهد نزول این شاخص به‌طور متوسط طی این سال‌های مدنظر بوده‌ایم. درباره‌ی معرف نسبت شهرنشینی نیز باید اشاره کرد مانند دو شاخص امید به زندگی و نسبت باسوادان، روندی صعودی و خطی شاهد بوده‌ایم؛ یعنی میزان آن از ۵۴/۲۹ (۱۳۶۸) به ۷۵/۰۷ (۱۳۹۸) رسیده است که بیانگر افزایش ۲۰ درصدی میزان این شاخص طی این سال‌ها بوده است. درنهایت درباره‌ی معرف مصرف برق صنعتی نیز باید گفت مقدار مصرف آن از ۶۱۴۶ ولت (۱۳۶۸) به ۲۵۴۸۰۷ ولت (۱۳۹۸) رسیده است که این مقادیر بیان‌کننده‌ی افزایش تقریباً ۴۰ برابری مصرف این نوع برق طی این سال‌ها و نشان‌دهنده‌ی روندی صعودی و خطی برای این شاخص بوده است. همچنین درباره‌ی خود سازه‌ی توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی نیز داده‌ها بیانگر افزایش خطی و صعودی مقدار آن بوده است؛ بدین‌صورت که مقدار آن از ۳/۲۳۶۳ (۱۳۶۸) به ۶/۴۲۳۵ (۱۳۹۸) رسیده است که تقریباً با افزایش دو برابری آن روبه‌رو بوده‌ایم (سازه‌ی توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی از تحلیل عاملی معرف‌های پنج‌گانه‌ی مذکور ساخته شده است).

همچنین یافته‌های منعکس‌شده در جدول ۵ نشان می‌دهد تمام معرف‌های تشکیل‌دهنده‌ی سازه‌ی توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی جز «تولید ناخالص داخلی» خصلت انباشتی داشته‌اند؛ به‌نحوی که رشد خطی هریک از آن‌ها در ۳۱ سال بررسی‌شده بالای ۰/۹۵ بوده است (ضریب رگرسیون استاندارد هریک از معرف‌ها با متغیر سال)، اما این رقم برای «تولید ناخالص داخلی» معادل ۰/۵۴- بوده که دلالت بر نزول این شاخص به‌طور متوسط در طول این ۳۱ سال داشته است. متعاقب چنین توصیف‌هایی باید گفت میانگین امید به زندگی ایرانیان طی دوره‌ی مزبور (۶۹ سال)، نسبت باسوادان (۸۲ درصد)، تولید ناخالص داخلی (۲۵ میلیارد ریال)، نسبت شهرنشینی (۶۶ درصد) و درنهایت مصرف برق صنعتی نیز حدود ۱۲۲ هزار ولت بوده است. در ادامه به توصیف داده‌های مربوط به سازه‌ی نابرابری اجتماعی و معرف‌های تجربی آن پرداخته شده است.

جدول ۶. یافته‌های توصیفی مربوط به نابرابری اجتماعی (N=31)

سازه	معرف‌های تجربی						سال
	نابرابری اجتماعی	اتکینسون	تیل	پالما	بیستک	دهک	
۵/۴۸	-/۲۶۵۰۰	-/۳۱۰۰	۲/۲۴	۹/۲۱	۱۶/۲۴	۰/۴۲۴۹	۱۳۶۸
۵/۷۴	-/۲۶۹۱۰	-/۳۱۷۹	۲/۲۹	۹/۴۲	۱۷/۵۱	۰/۴۲۷۳	۱۳۶۹
۶/۳۹	-/۲۸۴۰۰	-/۳۳۳۸	۲/۴۵	۱۰/۲۹	۱۹/۲۰	۴/۴۳۸۳	۱۳۷۰
۵/۷۱	-/۲۶۹۱۰	-/۳۰۷۶	۲/۲۵	۹/۷۳	۱۷/۸۷	۰/۴۲۴۵	۱۳۷۱
۵/۸۴	-/۲۷۲۵۰	-/۳۱۲۵	۲/۲۸	۹/۸۶	۱۸/۰۷	۰/۴۲۷۷	۱۳۷۲
۵/۵۰	-/۲۶۵۱۰	-/۳۰۹۵	۲/۲۴	۹/۲۶	۱۶/۴۷	۰/۴۲۴۴	۱۳۷۳
۵/۳۵	-/۲۶۱۳۰	-/۳۰۱۴	۲/۱۹	۹/۲۱	۱۶/۴۷	۰/۴۱۹۸	۱۳۷۴
۵/۷۸	-/۲۷۱۳۰	-/۳۱۷۷	۲/۳۱	۹/۵۶	۱۷/۲۰	۰/۴۲۹۴	۱۳۷۵
۵/۵۰	-/۲۶۴۳۰	-/۳۰۸۷	۲/۲۳	۹/۲۸	۱۶/۸۰	۰/۴۲۳۰	۱۳۷۶
۵/۷۱	-/۲۶۹۹۰	-/۳۱۱۸	۲/۲۸	۹/۶۴	۱۷/۱۴	۰/۴۲۷۱	۱۳۷۷
۵/۵۶	-/۲۶۶۶۰	-/۳۰۸۲	۲/۲۵	۹/۴۶	۱۶/۶۸	۰/۴۲۴۸	۱۳۷۸
۵/۹۵	-/۲۷۵۲	-/۳۲۱۱	۲/۳۵	۹/۸۶	۱۷/۵۰	۰/۴۳۲۲	۱۳۷۹
۵/۷۶	-/۲۷۱۵۰	-/۳۱۸۶	۲/۳۳	۹/۶۱	۱۶/۴۳	۰/۴۳۰۴	۱۳۸۰
۵/۶۶	-/۲۷۰۰۰	-/۳۱۲۶	۲/۲۸	۹/۴۸	۱۶/۵۵	۰/۴۲۸۷	۱۳۸۱
۵/۵۱	-/۲۶۴۹۰	-/۳۱۰۰	۲/۲۴	۹/۲۷	۱۶/۶۳	۰/۴۲۴۱	۱۳۸۲
۵/۴۶	-/۲۶۴۴۰	-/۳۰۸۵	۲/۲۴	۹/۲۴	۱۶/۲۱	۰/۴۲۴۰	۱۳۸۳

سال	معرف‌های تجربی						سازه
	ضریب جینی	دهک	بیستک	پالما	تیل	اتکینسون	
۱۳۸۴	۰/۴۲۴۸	۱۶/۴۶	۹/۳۹	۲/۲۴	۰/۳۰۸۹	-۰/۲۶۵۸۰	۲/۵۳
۱۳۸۵	۰/۴۳۵۶	۱۷/۴۰	۱۰/۰۴	۱/۹۳	۰/۲۶۹۶	-۰/۲۳۲۴۰	۵/۱۲
۱۳۸۶	۰/۴۳۳۷	۱۷/۵۹	۹/۹۰	۲/۳۶	۰/۳۲۱۹	-۰/۲۷۷۰۰	۶/۰۰
۱۳۸۷	۰/۴۱۲۲	۱۵/۷۹	۸/۹۹	۲/۰۸	۰/۲۸۶۴	-۰/۲۵۳۹۰	۴/۹۹
۱۳۸۸	۰/۴۱۱۱	۱۵/۹۷	۹/۰۰	۲/۰۷	۰/۲۸۳۶	-۰/۲۵۳۷۰	۴/۹۷
۱۳۸۹	۰/۴۰۹۹	۱۴/۷۱	۸/۵۴	۲/۰۶	۰/۲۸۵۴	-۰/۲۴۸۲۰	۴/۷۶
۱۳۹۰	۰/۳۷۰۰	۱۱/۰۹	۶/۷۸	۱/۶۸	۰/۲۳۲۵	-۰/۲۰۸۱۰	۳/۰۶
۱۳۹۱	۰/۳۶۵۹	۱۰/۷۹	۶/۶۵	۱/۶۳	۰/۲۳۴۷	-۰/۱۹۹۵۰	۲/۸۴
۱۳۹۲	۰/۳۶۵۰	۱۰/۶۸	۶/۵۷	۱/۶۲	۰/۲۳۴۰	-۰/۱۹۸۲۰	۲/۷۹
۱۳۹۳	۰/۳۷۸۸	۱۲/۳۳	۷/۲۶	۱/۷۳	۰/۲۴۱۹	-۰/۲۱۴۶۰	۳/۴۳
۱۳۹۴	۰/۳۵۸۱	۱۲/۶۵	۷/۴۰	۱/۶۵	۰/۲۵۱۹	-۰/۲۲۰۵۰	۳/۵۶
۱۳۹۵	۰/۳۹۰۰	۱۲/۹۹	۷/۶۱	۱/۸۵	۰/۲۵۸۳	-۰/۲۲۵۸۰	۳/۸۷
۱۳۹۶	۰/۳۹۸۱	۱۳/۶۵	۸/۰۰	۱/۹۳	۰/۲۶۸۸	-۰/۲۳۴۹۰	۴/۲۳
۱۳۹۷	۰/۴۰۹۳	۱۴/۴۵	۸/۳۶	۲/۰۵	۰/۲۸۷۱	-۰/۲۴۶۱۰	۴/۷۰
۱۳۹۸	۰/۳۹۹۲	۱۳/۶۹	۷/۹۷	۱/۹۵	۰/۲۷۲۰	-۰/۲۳۵۵۰	۴/۲۷
میانگین	۰/۴۱۳۵۲۶	۱۵/۵۸۷۴	۸/۸۶۵۸	۲/۱۰۵۸۰۶	۰/۲۹۱۱۵۸	-۰/۲۹۱۱۵۸	---
انحراف معیار	۰/۰۲۱۳۹۹۵	۲/۲۷۶۸۵	۱/۰۶۱۴۱	۰/۳۴۲۵۶۶۵	۰/۰۳۰۸۷۶۶	-۰/۰۳۰۸۷۶۶	---
واریانس	۰/۰۰۰	۵/۱۸۴	۱/۱۲۷	۰/۰۵۹	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱	---
ضریب استاندارد رگرسیون	-۰/۷۰۲	-۰/۷۶۷	-۰/۷۲۷	-۰/۷۵۰	-۰/۷۴۱	-۰/۷۳۹	---

اطلاعات مندرج در جدول ۶ بیانگر این نکته است که درباره هر شش معرف تجربی ضریب جینی، دهک، بیستک، پالما، تیل و اتکینسون می‌توان گفت هرچند روند این شاخص‌ها طی ۳۱ سال مطالعه‌شده با فراز و نشیب روبه‌رو بوده است، در همه آن‌ها میزانشان در سال ۱۳۹۸ (سال پایانی مطالعه‌شده) در مقایسه با سال ۱۳۶۸ (سال آغازین مطالعه‌شده) کاهش یافته است که نشان می‌دهد میزان نابرابری اجتماعی طی سال‌های مزبور کاهش یافته است. همچنین براساس یافته‌های جدول ۶ همه معرف‌های تشکیل‌دهنده سازه نابرابری اجتماعی، دلالت بر نزول این شاخص‌ها به‌طور متوسط در طول این ۳۱ سال داشته است؛ زیرا رشد خطی هر یک از آن‌ها در ۳۱ سال بررسی‌شده حدود ۰/۷۰- بوده است (ضریب استاندارد رگرسیون هر یک از معرف‌ها با متغیر سال). متعاقب چنین توصیف‌هایی نیز می‌توان گفت میانگین ضریب جینی در ایران و طی سال‌های مزبور ۰/۴۱، دهک ۱۵/۵۸، بیستک ۸/۸۶، پالما ۲/۱۰، تیل ۰/۲۹ و درنهایت اتکینسون نیز ۰/۲۹ بوده است. بعد از مروری خلاصه‌شده از توصیف داده‌ها، در ادامه به ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون مربوط به سازه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی پرداخته شده است (جدول ۷).

جدول ۷. ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون مربوط به سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی و معرف‌های آن

سازه و شاخص‌ها		امید به زندگی	سواد	تولید ناخالص داخلی	شهری	برق صنعتی	توسعه اقتصادی-اجتماعی
امید به زندگی	ضریب پیرسون	۱	**۰/۹۴۴	**۰/۵۲۲	**۰/۹۷۴	**۰/۹۸۰	**۰/۹۷۷
	معناداری		-/۰۰۰	-/۰۰۳	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰
	N	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
سواد	ضریب پیرسون	**۰/۹۴۴	۱	**۰/۵۲۳	**۰/۹۷۶	**۰/۹۵۰	**۰/۹۷۰
	معناداری	-/۰۰۰		-/۰۰۳	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰
	N	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
تولید ناخالص داخلی	ضریب پیرسون	**۰/۵۲۲	**۰/۵۲۳	۱	**۰/۵۵۱	**۰/۵۴۴	**۰/۶۴۴
	معناداری	-/۰۰۳	-/۰۰۳		-/۰۰۱	-/۰۰۲	-/۰۰۰
	N	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
شهری شدن	ضریب پیرسون	**۰/۹۷۴	**۰/۹۷۶	**۰/۵۵۱	۱	**۰/۹۸۵	**۰/۹۸۹
	معناداری	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۱		-/۰۰۰	-/۰۰۰
	N	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
برق صنعتی	ضریب پیرسون	**۰/۹۸۰	**۰/۹۵۰	**۰/۵۴۴	**۰/۹۸۵	۱	**۰/۹۸۴
	معناداری	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۲	-/۰۰۰		-/۰۰۰
	N	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
توسعه اقتصادی-اجتماعی	ضریب پیرسون	**۰/۹۷۷	**۰/۹۷۰	**۰/۶۴۴	**۰/۹۸۹	**۰/۹۸۴	۱
	معناداری	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰	
	N	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱

جدول ۸. ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون مربوط به سازه نابرابری اجتماعی و معرف‌های آن

سازه و شاخص‌ها		ضریب جینی	دهک	بیستک	تیل	اتکینسون	پالما	نابرابری اجتماعی
ضریب جینی	ضریب پیرسون	۱	۰/۹۷۵**	۰/۹۸۹**	۰/۹۴۶**	۰/۹۳۹**	۰/۹۳۷**	۰/۹۸۲**
	معناداری		-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰
	N	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
دهک	ضریب پیرسون	۰/۹۷۵**	۱	۰/۹۹۱**	۰/۹۳۵**	۰/۹۴۰**	۰/۹۳۱**	۰/۹۸۰**
	معناداری	-/۰۰۰		-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰
	N	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
بیستک	ضریب پیرسون	۰/۹۸۹**	۰/۹۹۱**	۱	۰/۹۲۸**	۰/۹۳۳**	۰/۹۲۷**	۰/۹۷۹**
	معناداری	-/۰۰۰	-/۰۰۰		-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰
	N	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
تیل	ضریب پیرسون	۰/۹۴۶**	۰/۹۳۵**	۰/۹۲۸**	۱	۰/۹۹۵**	۰/۹۹۱**	۰/۹۸۴**
	معناداری	-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰		-/۰۰۰	-/۰۰۰	-/۰۰۰
	N	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
اتکینسون	ضریب پیرسون	۰/۹۳۹**	۰/۹۴۰**	۰/۹۳۳**	۰/۹۲۸**	۰/۹۹۵**	۰/۹۹۰**	۰/۹۸۴**

سازه و شاخص‌ها		ضریب جینی	دهک	بیستک	تیل	اتکینسون	پالما	نابرابری اجتماعی
معناداری		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
N		۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
ضریب پیرسون		۰/۹۳۷**	۰/۹۳۱**	۰/۹۲۷**	۰/۹۹۱**	۰/۹۹۰**	۱	۰/۹۸۱**
معناداری		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
N		۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
ضریب پیرسون		۰/۹۸۳**	۰/۹۸۰**	۰/۹۷۹**	۰/۹۸۴**	۰/۹۸۴**	۰/۹۸۱**	۱
معناداری		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
N		۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱

اطلاعات مندرج در جدول‌های ۷ و ۸ نشان می‌دهد درباره شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی، بیشترین میزان همبستگی میان معرف‌های امید به زندگی و برق صنعتی (۰/۹۸۰) و از حیث شاخص‌های مربوط به سازه نابرابری اجتماعی نیز بیشترین میزان همبستگی میان معرف‌های دهک و بیستک (۰/۹۹۱) دیده شده است.

۲-۴. یافته‌های تحلیلی

در این بخش و در راستای اصلی‌ترین هدف پژوهش که همان آزمون مدعاهای نظری و فرضیه‌ها با استناد به نتایج و یافته‌های نهایی پژوهش است، گام برداشته‌ایم. برای رسیدن به این هدف، نخست برای آزمون فرضیه‌های مبتنی بر ارتباط خطی (منفی و مثبت)، با تکیه بر رگرسیون ساده از ارتباط میان توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی به این مقصود دست یافته‌ایم. سپس برای آزمون فرضیه سهمی وارون U، در مدل دیگر رگرسیون و با اضافه‌شدن مجذور توسعه اقتصادی-اجتماعی به مدل قبلی آزمون این فرضیه نیز بررسی شده است؛ بنابراین این اهداف در جدول‌های ۹ و ۱۰ محقق شده‌اند.

جدول ۹. رگرسیون نابرابری اجتماعی بر سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده	خطای استاندارد برآورد شده
۱	۰/۷۱۹	۰/۵۱۶	۰/۵۰۰	۳/۹۴۰۷۳

جدول ۱۰. تأثیر سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی بر نابرابری اجتماعی

ضرایب رگرسیون					
سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده		مدل	
		مقدار	خطای استاندارد		
۰/۰۰۰	۱۳/۲۵۸		۱/۴۶۵	۱۹/۴۲۴	(مقدار ثابت)
۰/۰۰۰	-۵/۵۶۴	-۰/۷۱۹	۰/۱۱۵	-۰/۶۴۲	توسعه اقتصادی-اجتماعی

جدول‌های ۹ و ۱۰ برای آزمون فرضیه رابطه خطی شکل میان دو مؤلفه توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی تعبیه شده‌اند. با توجه به اینکه در سطح کشوری بوده و N آن شامل ۳۱ مورد بوده است، بهتر است ابتدا به ضریب تعیین تعدیل‌شده و

ضریب معناداری رجوع کرد تا مشخص شود آیا این ارتباط معنادار بوده است یا خیر و سپس به شدت و جهت رابطه پرداخت. با تکیه بر مندرجات جدول‌های ۹ و ۱۰ می‌توان گفت ضریب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد توسعه اقتصادی-اجتماعی (به ترتیب برابر با $-0/719$ و $-0/642$) منفی و کاملاً معنادار ($sig=0/000$) است که براین اساس می‌توان گفت فرضیه مبنی بر ارتباط خطی مثبت، رد و فرضیه مبنی بر ارتباط خطی منفی تأیید می‌شود. پس از تست فرضیه‌های مبتنی بر ارتباط خطی (مثبت و منفی)، در این بخش به آزمون فرضیه مبنی بر ارتباط سهمی و ارون U میان دو مؤلفه توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی پرداخته شده است (جدول‌های ۱۱ و ۱۲).

جدول ۱۱. رگرسیون نابرابری اجتماعی بر سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی و مجذور آن

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد شده
۱	۰/۷۵۷	۰/۵۷۳	۰/۵۴۳	۳/۷۶۷۸۹

جدول ۱۲. تأثیر سازه توسعه اقتصادی-اجتماعی و مجذور آن بر نابرابری اجتماعی

ضرایب رگرسیون					
سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده		مدل	
		مقدار	خطای استاندارد		
۰/۰۰۰	۸/۹۲۷		۰/۹۳۰	۱۶/۹۵۱	(مقدار ثابت)
۰/۰۰۰	۰/۲۶۴	۰/۱۱۹	۰/۴۰۳	۰/۱۰۶	توسعه اقتصادی-اجتماعی
۰/۰۰۰	-۱/۹۲۹	-۰/۸۷۱	۰/۳۷۶	-۰/۷۲۵	مجذور توسعه اقتصادی-اجتماعی

با تکیه بر مندرجات جدول‌های ۱۱ و ۱۲ می‌توان گفت ضریب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد توسعه اقتصادی-اجتماعی (به ترتیب برابر با $0/119$ و $0/106$) مثبت و کاملاً معنادار ($sig=0/000$) و برعکس، ضریب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد مجذور توسعه اقتصادی-اجتماعی (به ترتیب برابر با $-0/871$ و $-0/725$) منفی و کاملاً معنادار ($sig=0/000$) است که براین اساس می‌توان گفت فرضیه مبنی بر ارتباط سهمی و ارون U تأیید می‌شود؛ بنابراین از آنجا که دو فرضیه خطی منفی و سهمی و ارون U هر دو تأیید شده‌اند، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده، فرضیه کوزنتس مرجع به فرضیه خطی منفی است؛ زیرا ضریب تعیین تعدیل شده در مدل رگرسیون ساده (ارتباط توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی) برابر با $0/500$ و در مدل دیگر (ارتباط توسعه اقتصادی-اجتماعی و مجذور توسعه اقتصادی-اجتماعی با نابرابری اجتماعی) برابر با $0/543$ است که اولویت و ارجحیت با مدلی است که ضریب تعیین آن بالاتر بوده است؛ زیرا مدل اولی بیانگر این نکته است که ۵۰ درصد یا نیمی از تغییرات نابرابری اجتماعی در ایران با توسعه اقتصادی-اجتماعی توضیح داده می‌شود که این مقدار در مدل دوم، برابر با ۵۴ درصد است؛ بنابراین فرضیه مبتنی بر ارتباط به شکل سهمی و ارون U تأیید می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، ارتباط میان دو مقوله مهم توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی در جامعه ایران پس‌انقلابی بررسی شده است. با مروری بر ادبیات نظری در علوم اجتماعی و اقتصادی، مشخص شد اندیشمندان این حوزه مطالعاتی دیدگاه‌های متعارضی درباره ارتباط توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی مطرح کرده‌اند. در مقام آزمون سیستماتیک این استدلال‌های نظری متعارض در جامعه پس‌انقلابی ایران، این پژوهش شکل گرفت و محقق را واداشت تا مطالعه‌ای درباره کشور ایران در دوران پس‌انقلاب انجام دهد.

در این تحقیق که روش آن تطبیقی کمی بوده و قلمروی کشور ایران طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ را شامل می‌شده است، معرف‌های امید به زندگی، آموزش (سواد)، تولید ناخالص داخلی، شهری‌شدن و صنعتی‌شدن (مصرف برق صنعتی) مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی هستند. همچنین معرف‌های ضریب جینی، توزیع درآمدی (دهک‌ها و بیستک‌ها) و ضرایبی چون تیل، اتکینسون و پالما نیز مهم‌ترین شاخص‌های نابرابری اجتماعی در نظر گرفته شدند. برای سنجش اعتبار متغیرهای تحقیق نیز آزمون تک‌بعدی بودن سنجه‌ها با تکیه بر آماره شاخص تکافوی نمونه بررسی شد که براساس آن اجرای تحلیل عاملی برای سازه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و همچنین نابرابری اجتماعی توجیه‌پذیر است.

در نهایت یافته‌های پژوهش بیانگر این بود که میان دو مقوله توسعه اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اجتماعی نوعی ارتباط به شکل سهمی وارون U وجود دارد. براین اساس می‌توان گفت نتایج این پژوهش مطابق با فرضیه کوزنتس بوده است و فرضیه‌های مبنی بر وجود ارتباط خطی به اشکال مثبت و منفی میان مؤلفه‌های مذکور رد می‌شوند؛ بدین معنا که هرچند توسعه‌یافتگی در ایران، ابتدا توأم با نابرابری بالا بوده است، به‌مرور زمان برعکس چنین وضعیتی رخ داده و میزان نابرابری نیز کاهش یافته است؛ پس می‌توان گفت در بازه زمانی ۳۱ ساله تحقیق در جامعه ایران، توسعه‌یافتگی بالا در بلندمدت به پایین آمدن نابرابری اجتماعی انجامیده است.

هرچند یافته‌های این تحقیق نتایج برخی از تحقیقات پیشین را تأیید می‌کند، همان‌طور که اشاره شد، این یافته‌ها با روش، متغیرها و شاخص‌های متفاوت به‌دست آمده‌اند. تحقیقات موجود با رویکردی اقتصادی و با تکیه بر روش‌های علم اقتصاد انجام شده‌اند، ولی تحقیق حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی و با تکیه بر روش‌های دیگری به این نتایج نائل آمده است.

مأخذ مقاله: مستخرج از رساله دکتری نویسنده دوم با عنوان «ارتباط میان توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی در ایران

پس‌انقلابی»، گروه جامعه‌شناسی انقلاب، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- باقری، فروزان (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران. *کنفرانس بین‌المللی مهندسی و علوم کاربردی*. دوره اول. تمیزی‌فر، ریحانه، ازکیا، مصطفی، و وثوقی، منصور (۱۳۹۹). تحلیل جامعه‌شناختی توسعه و نابرابری در ایران. *نشریه مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۷ (۱): ۳۳۸-۳۱۵. <https://doi.org/10.22059/jsr.2020.78519>
- چلبی، مسعود (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح نظری نظم اجتماعی*. چاپ اول. تهران: نشرنی.
- دهقانی، علی، حسینی، سید محمدحسن، فتاحی، محمد، و حکمتی فرید، صمد (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۵۰ با استفاده از رهیافت رگرسیون غیرخطی انتقال ملایم. *مجله مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۶ (۲۱): ۲۳۶-۲۱۳.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۴). *توسعه و تضاد (کوئشنی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران)*. چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زربیاف، سید مهدی (۱۳۸۶). *نظری بر اندیشه توسعه عدالت‌محور. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۱۵ (۴۲ و ۴۱): ۳۵-۶۶. <http://qjerp.ir/article-1-285-fa.html>
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۹۳). *توسعه و نابرابری*. چاپ نهم. تهران: مازیار.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۸). *معاونت آمار و اطلاعات*.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی سیاسی کلان*. چاپ اول. تهران: جامعه‌شناسان.
- طهماسبی، فردین، میرزایی، خلیل، و کامران، فریدون (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس نابرابری‌های اجتماعی و پیامدهای آن‌ها در شهر تهران. *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۴ (۱۴): ۷۵-۱۰۰.
- فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۴). *توسعه پایدار بر محور عدالت*. *مجله اقتصاد اسلامی*، ۵ (۱۹): ۹۱-۱۲۲. http://eghtesad.iict.ac.ir/article_16608.html
- گرب، ادوارد (۱۳۷۳). *نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر*. ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاد. چاپ اول. تهران: معاصر.
- مرکز آمار و اطلاعات ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۸). *سالنامه آماری کشور*.
- مهرگان، نادر، موسایی، میثم، و کیهانی حکمت، رضا (۱۳۸۷). *رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران*. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۷ (۲۸): ۵۷-۷۷. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2030-fa.html>
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۶). *عدالت اجتماعی، آزادی و توسعه در ایران امروز*. چاپ اول. تهران: نشر و نگار.
- میارغنج، خالد، عباس‌زاده، محمد، امین مظفری، فاروق، و علی‌پور، جواد (۱۴۰۱). *توسعه اجتماعی و فرهنگ سیاسی: رویکردی اجتماعی در تحلیل فرهنگ سیاسی، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۱ (۴): ۱۰۳۹-۱۰۵۷. <https://doi.org/10.22059/jsr.2022.326885.1225>
- Bagheri, F. (2014). Investigating the relationship between economic growth and income distribution in Iran. *International Engineering and Applied Sciences Conference*. First Session. <https://civilica.com/doc/449872> (In Persian)
- Chalabi, M. (2015). *Sociology of order: theoretical description of social order* (1st Ed.). Tehran: Ney. (In Persian)
- Dehghani, A., Hosseini, S. M. H., Fatahi, M., & Hekmati Farid, S. (2016). Investigating the relationship between economic growth and income distribution in Iran during 1971-2014 using soft transition nonlinear regression approach. *Iranian Journal of Applied Economic Studies*, 6 (21), 213-236. (In Persian)
- Farahani Fard, S. (2004). Sustainable development based on the axis of justice. *Islamic Economics Journal*, 5(19), 91-122. http://eghtesad.iict.ac.ir/article_16608.html (In Persian)

- Greb, E. (1994). *Social inequality: Perspectives of classical and contemporary theorists* (1st Ed.). Translated by: M. Siahpoosh & A. R. Gharavizad. Tehran: Masares Publishing House. (In Persian)
- Iran Statistics and Information Center (1990-2020). *Statistical yearbook of Iran*.
- Kuznets, S. (1955). Economic growth and income inequality. *The American Economic Review*, 45(1), 1-28.
- Mehrgan, N., Musaei, M., & Kihani Hekmat, R. (2007). Economic growth and income distribution in Iran. *Social Welfare Quarterly*, 7(28), 57-77. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2030-fa.html> (In Persian)
- Miarganj, Kh., Abbaszadeh, M. A., Mozafari, F., & Alipour, J. (2022). Social development and political culture: a social approach in the analysis of political culture. *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 11(4), 1039-1057. <https://doi.org/10.22059/jjsr.2022.326885.1225> (In Persian)
- Momeni, F. (2016). *Social justice, freedom and development in Iran today* (1st Ed.). Tehran: Eshar and Negar. (In Persian)
- National Program and Budget Organization (2018). *Deputy of statistics and information*. (In Persian)
- Rafipour, F. (2014). *Development and conflict (an effort towards the analysis of the Islamic revolution and social problems of Iran)* (5th Ed.). Tehran: Publishing Company. (In Persian)
- Ram, R. (1997). Level of economic development and income inequality: evidence from the postwar developed world. *Southern Economic Journal*, 64(2), 576-583.
- Tahmasbi, F., Mirzaei, Kh., & Kamran, F. (2011). Social factors affecting the feeling of social inequalities and their consequences in Tehran. *Social Research Quarterly*, 4(14), 75-100. (In Persian)
- Taleban, M. R. (2010). *Macro political sociology* (1st Ed.). Tehran: Sociologists. (In Persian)
- Tamizi Far, R., Azkia, M., & Vosoughi, M. (2019). Sociological analysis of development and inequality in Iran. *Journal of Sociological Studies*, 27 (1), 315-338. <https://doi.org/10.22059/jsr.2020.78519> (In Persian)
- Zahedi Mazandarani, M. J. (2013). *Development and inequality* (9th Ed.). Tehran: Maziar Publications. (In Persian)
- Zaribaf, S. M. (2006). A comment on the idea of justice-oriented development. *Economic Research and Policy Quarterly*, 41-42, 35-66. <http://qjerp.ir/article-1-285-fa.html> (In Persian)